

اهمیت بررسی و مطالعه شهر و روستا در توسعه پایدار مناطق جغرافیایی کشور

دکتر علی اصغر رضوانی*

چکیده

مطالعه و تحقیق پیرامون روابط شهر و روستا به منظور دستیابی به راه‌حلهایی که بتواند موجب توسعه یکپارچه کشور شود از اهمیت خاصی برخوردار است. توجه به مطالعات روستایی در رابطه با شهرها بدنبال انقلاب صنعتی اروپا در قرن هیجدهم و هم‌زمان با گسترش شهرنشینی آغاز شد. روابط ناعادلانه بین جوامع شهری و روستایی در ابتدا موجب شد که محققین در این خصوص چاره‌اندیشی کنند و روش‌هایی را بیازمایند تا بتوانند به رابطه‌ای عادلانه بین جوامع شهری و روستایی دست یابند. شهرها و روستاهای ایران نیز طی سالیان دراز با چنین تحولاتی روبه‌رو بوده‌اند. اثرات ناشی از انقلاب صنعتی تغییرات عمده‌ای را در چشم‌اندازهای شهری و روستایی ایران بر جای نهاده بطوریکه منجر به افزایش روند مهاجرت‌های روستایی و گسترش بی‌رویه شهرها گردید. تعداد مراکز شهری نیز از ۱۹۹ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۱۰۱۸ شهر در سال ۱۳۸۶ رسید و با افزایش بیش از حد جمعیت در تعداد معدودی از شهرهای کشور توسعه‌ای ناموزون را بوجود آورد. افزایش روز افزون جاذبه‌های شهری، تمرکزگرایی شهری و کمبود امکانات و تسهیلات معیشتی در روستاها نیز چنین حرکت نامتعادلی را تشدید خواهد نمود. از اینرو ضروری است روند توسعه متقابل را برای شهر و روستا به گونه‌ای فراهم کرد که توسعه یکی از آنها به بهای

رکود و افول آن دیگری تمام نشود و با برنامه‌ریزی‌های علمی-کاربردی با تأکید بر اهمیت نقش حوزه‌های نفوذ شهری و پتانسیل‌های موجود در آنها به رابطه‌ای عادلانه بین شهر و روستا رسید و شرایط لازم و کافی را برای دستیابی به توسعه پایدار مناطق جغرافیایی کشور فراهم نمود.

واژه های کلیدی: شهر، مناطق روستایی، حوزه نفوذ، مهاجرت، دولت، توسعه پایدار

* دانشیار گروه آموزشی جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

تاریخ دریافت: ۸۹/۵/۱۰ تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۲/۱۰

مقدمه

اهمیت و ضرورت تحقیق و بررسی روابط شهر و روستا در ایران، برای تعادل بخشی در عملکرد پایدار هریک از این کانون‌های زیستی است. «شهر و روستا جلوه‌گاه پیوند جدایی ناپذیر است، این نکته بویژه در سرزمین‌های شرقی اسلامی و بر همین مبنا، در ایران مصداق دارد. پیش از هر کس، هانس بوبک، جغرافیدان اطریشی و واضع نظریه سرمایه‌داری بهره‌وری، صریحاً بر این اعتقاد بود که شهرها به مثابه مرکز سازماندهی و مبادله تولیدات روستایی، بهره‌گیر اصلی رشد و توسعه اقتصاد روستایی به شمار می‌روند» (اهلرس، ترجمه سعیدی، ۱۳۸۰، ص ۱۲) پیوند میان سکونت‌های شهری، روستایی و روابط متقابل بین آنها از یک رابطه خطی به رابطه چندجانبه، پیچیده و در زمینه‌های مختلف است (جمعه‌پور، ۱۳۸۵، ص ۲۷). امروزه توسعه شهری و روستایی پایدار مستلزم برنامه‌ریزی، طراحی، مدیریت هماهنگ‌کننده، اجرا، نظارت، ارزیابی، مشارکت مردمی، اعتبارات و رعایت عدالت اجتماعی و نظایر آن است. ایجاد تعادل ساختاری بین شهر و روستا به توسعه همه‌جانبه در درون آنها بستگی دارد. پل سینجر معتقد است که برای درک مسأله پیدایش شهر ابتدا باید تفاوت ساختاری و روابط شهر و روستا را بررسی کرد (پل سینجر، ۱۳۸۵، ص ۱۴). سکونتگاه‌ها و چشم‌اندازهای زیستی

با اتکاء به پتانسیل‌های موجود ناحیه‌ای و با تأثیرپذیری از شبکه‌های اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و طبیعی شکل می‌گیرند و پایداری آنها منوط به ایجاد ارتباطی واقع‌بینانه و متکی بر معیارهای علمی با نگرش بر مطالعات میدانی و تطبیقی و بررسی همه‌جانبه تمامی عناصر این سیستم در مقیاس ناحیه‌ای و کشوری است. هدف از این تحقیق دستیابی به برنامه‌های توسعه شهری و روستایی در کشور است که برای دگرگون‌سازی ساختار اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی جامعه شهری و روستایی به‌کار می‌رود، این اهداف شامل، اهداف اقتصادی برای کسب درآمد ثابت و دائمی، امنیت شغلی، تعادل‌شغلی و توزیع و مصرف برای مدتی طولانی برای هردو جامعه شهری و روستایی است. اهداف اجتماعی برای دستیابی به حفظ سلامتی که اساس ادامه حیات جامعه است، توسعه آموزشی که عامل هدایت توسعه و ایجاد یک زندگی سالم است و رسیدن به خودکفایی بر اساس ارزش‌های فرهنگی. اهداف طبیعی به منظور حفظ محیط زیست شهری و روستایی و اهداف سیاسی به منظور همراه ساختن جامعه شهری و روستایی با سیاست‌های دولت و به دنبال آن استفاده از شهر و روستا به عنوان یک منبع توانمند و پایدار. در این خصوص برنامه‌ریزی ناحیه‌ای و آمایش سرزمین بسیار با اهمیت است به گونه‌ای که موجب می‌شود یک رابطه معقول و غیر

سلطه‌جویانه‌ای را بین شهر و روستا در کشور برقرار نمود که هر یک ضمن عملکرد صحیح خود خدمات لازم و مورد نیاز را برای دیگری ارائه نماید و توسعه‌ای هماهنگ و یکپارچه‌ای را بوجود آورد. تعیین نوع وابستگی و طبقه‌بندی انواع روابطی که بین مراکز شهری و حوزه‌های روستایی و شهرهای میانی بوجود می‌آید دستیابی به اهداف فوق را تحقق می‌بخشد. وابستگی‌های فیزیکی، اقتصادی، تحرکات جمعیتی، تعادل اجتماعی، روابط در زمینه توزیع خدمات و روابط اداری - سیاسی از جمله مسائل و مواردی هستند که می‌بایست به آنها توجه نمود و نقش هر یک از این وابستگی‌ها را در میزان روابط متقابل بین سکونتگاه‌های شهری و روستایی باز شناخت تا با راهکارهای لازم در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای و توسعه پایدار دست یافت.

«مسئله روابط شهر و روستا که از اعصار باستان بدان پرداخته شده (انصافی‌پور، ۱۳۵۵، ص ۲۴۱) از سده نوزدهم، موضوع تأملاتی بسیار، بویژه در مورد مهاجرت جمعی روستایی بوده و با فشار بی‌سابقه‌ای که شهرها پس از انقلاب صنعتی بر نواحی پیرامونی خود اعمال می‌کرده‌اند تناسبی منطقی داشته است، فزون‌کنش‌های متقابل میان شهر و روستا موضوع مطالعات بسیاری از مورخان، جغرافیدانان، اقتصاددانان، جامعه‌شناسان، معماران و شهرسازان چه در قلمروهای نظری و چه

در عرصه عمل بوده است (شاریه، ترجمه سهامی، ۱۳۷۳، ص ۱۰). توجه روزافزون به برنامه‌ریزی شهری و روستایی در ایران باعث شکوفایی مطالعات رابطه شهر و روستا گردید. اکثر این پژوهش‌ها توسط محققین خارجی صورت گرفته، در کتابشناسی اکارت اهلرس که در سال ۱۹۸۰ به چاپ رسیده است تحقیقات متعددی در زمینه شهر و روستا و مناسبات بین آنها معرفی شده است. از پژوهش‌هایی که در مورد شهرها و حوزه‌های پیرامونی آنها صورت گرفته می‌توان از تهران (۱۹۷۹ توسط دکتر محمدتقی رهنمایی)، ملایر (۱۹۷۹، توسط دکتر مصطفی مؤمنی)، مهاجرت شهر و روستا در ایران (۱۹۸۰، توسط د. مجتهد) و قره‌داغ (۱۹۸۰، توسط دکتر اصغر نظریان) و یا اثر دیگری بنام بررسی مشخصات طبیعی و اجتماعی و اقتصادی شهرستان تفت توسط دکتر مصطفی مؤمنی و هوشنگ بهرام‌بیگی، نوشته شده است، اشاره کرد.

روش اتخاذ شده برای انجام این تحقیق با توجه به موضوع آن تلفیقی از روش‌های تحقیق جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای به صورت کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. مشاهدات عینی و آگاهی از خصوصیات جغرافیایی شهرها و روستاها چه از طریق حضور در مکان‌های جغرافیایی و چه استفاده از اسناد و مدارک موجود در انجام این تحقیق مدنظر قرار گرفته شده است. مراحل بعدی تحقیق شامل تجزیه و تحلیل داده‌ها و سرانجام نتیجه‌گیری و

دستیابی به آنچه که می‌تواند راهگشایی برای بقاء حیات فیزیکی و انسانی شهرها و روستاها و رابطه عادلانه بین آنها در کشور باشد که در انتهای بحث به آن پرداخته شده است.

بیان موضوع

مطالعه و بررسی روابط شهر و روستا به منظور درک مسائل شهرگرایی و پیدایش راه‌حل‌های مناسب جهت برقراری یک روند توسعه متعادل شهری و روستایی ضروری به نظر می‌رسد. انجام پژوهش‌هایی در این زمینه در مناطق شهری و روستایی ما را برای درک و فهم واقعی که امروزه با آن مواجه هستیم کمک خواهد کرد و از اختلاف شدید مزایای اقتصادی، اجتماعی شهر و روستا که در حال حاضر رو به افزایش است خواهد کاست.

شهرنشینی همیشه مسائل بنیادی و جنبی زیادی با خود به همراه داشته است. این پدیده زمان با ابعاد تاریخی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی که تجسم فضایی و تبلور فیزیکی حضور انسان در محیط است، امروزه به یکی از پیچیده‌ترین فضاها کالبدی و عملکردی تبدیل شده و هر روز مسائل و پرسش‌های تازه‌ای را در ارتباط با علت وجود و مکانیسم حیات خود مطرح می‌سازد. اینکه شهرها چگونه پا می‌گیرند و بر اساس چه روابطی به حیات خود ادامه می‌دهند و نیروی محرکه

پویایی عظیم آنها چیست و یا اینکه عوامل محیطی در مکان‌یابی آنها تا چه حد مؤثر بوده است و به زبانی ساده جاذبه‌های شهرنشینی در چه نهفته است، از جمله پرسش‌هایی است که تنها به‌طور جسته و گریخته مورد بررسی قرار گرفته و هنوز پاسخی درست و مبتنی بر یافته‌های علمی بدان داده نشده است.

نحوه و دامنه روابط موجود میان شهر و روستا به صورت‌های گوناگون بر شکل‌پذیری، رشد و توسعه سکونتگاه‌های روستایی و همچنین بر روابط درونی و بیرونی آنها تأثیرگذار است. در خصوص نحوه این تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری مفاهیم و نظرات مختلفی مطرح شد. آنچه که بیش از هرچیز باید در نظر گرفته شود ویژگی‌های زمانی و مکانی است، یعنی توجه به شکل روابط در مکان‌های مختلف که بنابر مقتضیات زمانی و روندهایی که نوع و دامنه تحول و دگرگونی روابط را مشخص می‌سازد، تغییر می‌یابد. این ویژگی‌ها و ملاحظات در چگونگی تجلی فضایی روابط شهر و روستا نقش بارزی دارد و مایه اصلی مطالعات جغرافیایی این نوع روابط را تشکیل می‌دهد. (سعیدی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳)

در پیدایش و شکل‌گیری شهرهای شرقی در خاورمیانه به طور عام و ایران به طور خاص عوامل متعددی مانند عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی با اتکاء به شرایط مساعد محیط طبیعی و حوزه‌های نفوذ شهری که عمدتاً روستاها هستند، نقش

مؤثري داشته است. در خاورميانه مناطق مساعد طبيعي براي كشاورزي و سكونت يكجانشيني به واحدهاي بزرگ و كوچك و يا نوارهاي كاملاً باريك منحصر مي‌شود در حالي كه گستردگي فضاهاي سكونتي و معيشتي در اروپا و حتي هندوستان و چين از ويژگيهاي چشم انداز جغرافيايي آنهاست. «به عقیده ویرت که مطالعات وسیعی درباره شهرهای شرقی دارد، حوزه نفوذ کشاورزی مربوط به شهرهای شرقی اغلب به مراتب مشخصتر از شهرهای اروپایی است، بسیاری از شهرها، مرکز يك محدوده معین طبیعی و جمعیتی اطراف خود هستند که پیرامون آنها را اراضي باير، ديم زارها و يا بيابان‌ها در بر گرفته است». (ویرت، ۱۹۷۵، ص ۱۷۴). «در ایران نیز فضاهاي حياتي عمدتاً در جايي شكل گرفته كه يا بارندگي كافي داشته و يا اينكه امكان آبياري از طريق روشهاي سنتي يعني قنات، چاه و چشمه براي تأمين آب وجود داشته است، كه ويتفوگل آن را با اصطلاح «تمدن آبي» براي مشرق زمين توصيف کرده است» (ويتفوگل، ۱۹۵۹، ص ۱۱۲). شهرهای شرقی واقع در مسيركاروان‌ها بيشتري شهرت را در اين رابطه كسب کرده اند. «البته در هيچ زماني ضروريات زندگي اين شهرها از جمله مواد خوراكي و آشاميدني از طريق تجارت خارجي يا كاروان‌ها تأمين نمي‌شد بلكه براي تأمين اين قبيل مواد به نواحی روستايی پیرامونشان متکی بودند.»

(کاستللو، ۱۳۶۸، ص ۳۳). گروهی بر این باورند که شهر در وهله اول مکان مرکزی مناطق روستایی کشاورزی اطراف خود است، چنین تصور می‌شود که شهرهای سنتی ایران بر مبنای حومه زراعی خود و برای آن دوام می‌یابند و بر همین اساس، بنیاد سائقه‌های تکوین اقتصادی خود را دریافت می‌دارند. این امر از یک سو به مناسبات مالکیت و تصرف در عرصه روستایی و از سوی دیگر، به کارکرد شهر به عنوان کانون تبدیل کالایی و بازار تولیدات روستایی باز می‌گردد (اهلرس، ترجمه سعیدی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۵). وجه تمایز بنیادی شهرهای شرقی و مغرب زمین نیز در زمینه روابط آنها با حوزه نفوذ شهر است. «در شرایط عادی، شهرها در حوزه نفوذ مستقیم خود، چهار ارتباط مشخص تکرار شونده با روستاهای پیرامون خود برقرار می‌کنند. برخی از این ارتباطات نقش برجسته‌ای دارند. انتقال مازاد کشاورزی از روستا به شهر، جابه‌جایی ناپایدار نیروی انسانی از روستا به شهر، عرضه کالاهای مصرفی و انواع خدمات از شهر به روستا و جابه‌جایی محدود و ناپایدار نیروی کار از شهر به روستا از مهمترین این ارتباطات است (رئیس دانا، ۱۳۷۸، ص ۴۲). در مورد شهرهای شرقی عقیده براین است که این شهرها بیشتر گیرنده هستند تا دهنده. گرچه این پدیده از ویژگیهای شهرهای شرقی است اما به این نکته نیز باید توجه کرد که در دوره‌های

مختلف تاریخی، شهر در مشرق زمین به عنوان یک مرکز فعال سازماندهی و توانمند، بخشی از تحولات زمان را به حوزه نفوذ خود نیز انتقال داده است. مباحث این مناسبات اساسی، نظریه‌های سرمایه‌داری بهره‌وری را در ارتباط با عملکرد شهرهای شرقی تشکیل می‌دهند که سالها محور مباحث جغرافیایی به ویژه از دهه ۱۹۶۰ در مکتب جغرافیایی آلمان بوده است.» (مؤمنی، ۱۹۷۶، ص ۹۳) «پل سینجر معتقد است که برای درک مسئله پیدایش شهر ابتدا باید تفاوت ساختاری و رابطه شهر و روستا را بررسی کرد، بدین ترتیب که روستا احتیاجات اولیه و معیشتی خود را از طبیعت فراهم می‌کند. بنابراین روستا خودکفاست، در صورتی که شهر به عنوان محل طبقه حاکم و مقرر قدرت برای رفع نیازهای اولیه خود محتاج به روستا است، در این صورت شهر زمانی می‌تواند وجود داشته باشد که نیروهای تولیدی در روستا قادر باشند بیش از نیاز خود تولید کنند، ولی تنها تولید مازاد برای ایجاد شهر کافی نیست، بلکه باید روابطی بوجود آید تا جریان مداوم انتقال مازاد محصول از روستا به شهر تضمین شود (پل سینجر، ۱۳۸۵، ص ۱۴). بررسی روابط شهر و روستا در گذشته نشان می‌دهد که این روابط چند جانبه بوده و کنش‌های متعدد و دوجانبه‌ای میان آنها وجود داشته است. از نقطه نظر فرهنگی تفاوت‌های زیادی میان شهر و روستا وجود داشته

است، ضمن اینکه مشترکاتی نیز میان فرهنگ شهری و روستایی قابل تشخیص است. «همبستگی روستاییان با اهالی شهرها در اغلب موارد بر پیوندهای مذهبی و فرقه‌ای استوار بوده و عوامل مذهبی همانگونه که باعث گروه‌بندی شهروندان در برابر هم می‌شد، همکاری و همبستگی اجتماعی آنان را نیز با روستاها فراهم می‌ساخت.» (سلطان‌زاده، ۱۳۶۵، ص ۲۳۲). «از نقطه نظر اقتصادی هم، جدایی میان کار و داد و ستد کشاورزی از یک طرف و داد و ستد صنعتی از سوی دیگر در اجتماعات شهری و روستایی به طور کامل پدید نیامده است.» (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۵، ص ۵۲) و اشتغال به کشاورزی و دامپروری از ویژگیهای کارکردی روستا و پرداختن به تجارت و صنایع دستی از خصوصیات عملکردی شهرها بوده است. در واقع «از زمانی که شهر و روستا پدید آمده‌اند، به هم متکی بوده‌اند، دریافته‌های هر دو متقابل و پایاپای است و تقسیم کاری که در اینجا موجود است مانند هر مورد دیگر برای کلیه اشتغال‌های گوناگون مفید خواهد بود» (منادی‌زاده، ۱۳۵۸، ص ۳۲). با این تفاوت که شهرها قدرت، رفاه و به طور کلی امکانات مطلوبتری نسبت به روستاها کسب کرده‌اند. در این رابطه باید توجه داشت که «نیروهای تولیدکننده در روستاها می‌بایست بیش از حد نیاز خود تولید کنند تا بتوانند مازاد آن را به شهرها ارائه

دهند تا بدین وسیله امکان تداوم يك ارتباط متقابل میان شهر و روستا فراهم گردد. از این رو یکی از عوامل مهم پیدایش و ضرورت ارتباط بین شهر و روستا نقش اضافه تولید محصولات کشاورزی و دامپروری است که موجب پیدایش حرکت و جریان اقتصادی میان شهر و روستا می‌گردد (سلطانزاده، ۱۳۶۵، ص ۲۲۷). کارکردهای اداری، خدماتی و سیاسی شهر نیز برقراری این ارتباط را اجتنابناپذیر می‌سازد.

گرایش به بررسی‌های روستایی و اهمیت مطالعات روستایی در رابطه با شهرها به دنبال انقلاب صنعتی اروپا در قرن هجدهم و گسترش شهرنشینی آغاز گردید و به تدریج مورد توجه قرار گرفت. پدیده شهرنشینی که بر بنیان صنعت توسعه یافته بود، روز به روز گسترده‌تر می‌شد و موجبات مهاجرت از روستا به شهر را فراهم می‌ساخت. با توسعه صنعت در اروپا نیاز به تولید مواد اولیه کشاورزی مورد مصرف در کارخانه‌ها افزایش می‌یافت، در حالی که از تولیدکنندگان روستایی در اثر مهاجرت به شهرها، کاسته می‌شد، مهاجرت روستایی در ابتدای امر، فرایندی مثبت تلقی می‌شد و همگان بر انجام آن اصرار داشتند ولی به تدریج با بروز بحران‌هایی در روستا و شهر از شدت وحدت آن کاسته شد (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۳). در واقع توسعه صنعت در نواحی شهری اروپا با هم

آمیختن نظام اقتصادی و اجتماعی نواحی روستایی همراه بود و سرانجام نظام اقتصادی و اجتماعی شهرها را متحول ساخت. در این دوره اختراعات متعدد علمی و فنی تحت تأثیر یکدیگر و بر اساس احتیاجات اقتصادی صورت گرفت و کاربانکها رونق یافت و این در حالی است که در بعضی از کشورها وضع طبقات اجتماعی بویژه در روستاها رو به تزلزل نهاد و روستاییان به تدریج از زمینهای خود رانده شده و به شهرها روی آوردند. فقر و تهیدستی بر اثر افزایش قیمتها در همه جا آشکار گردید و طبقات زحمتکش و محروم جامعه به مخالفت با ماشین و مدیران صنایع جدید برانگیخته شدند و منازعات طبقاتی به وجود آمد و چون تأثیر بارز انقلاب صنعتی در بعضی کشورها فقط توسعه اقتصادی بود و نه ترقی اجتماعی و یا بهزیستی عامه مردم، رفته رفته نظر دانشمندان و محققین به این مسائل معطوف میگشت، و تفکر و چاره اندیشی روز به روز ضروریتر به نظر میرسید، تا اینکه فشار تمرکز تعداد کثیری از جمعیت در نواحی شهری نیاز به مواد تولیدی روستایی را تشدید نمود. مراکز صنعتی نیز برای مصارف تولیدی خود به روستا وابسته شده بودند و برای تأمین نیازهای مصرفی کارخانه های خود، روستاییان را تشویق به کشتهای مورد نیاز خویش مینمودند و محصولات آنان را با سود قابل توجه جذب میکردند. «سودآوری محصولات

تجاری و صنعتی، کشت‌های سنتی و بومی را تحت‌الشعاع کشت‌های تجاری قرار داد، بطوریکه توسعه کشت بعضی از محصولات غیر ضروری را در روستاها فراهم می‌کرد» (اطهاری، کمال، ۱۳۶۸، ص ۱۰۲). مخصوصاً ساکنین «روستاهایی که بر بنیان تک محصولی مستقر شده بودند برای تأمین مواد غذایی مورد مصرف خود در تنگنا قرار می‌گرفتند تا آنجایی که در اکثر موارد جامعه روستایی برای تأمین مواد غذایی خود سربار جامعه شهری می‌شد و اختلاف شدید سطح زندگی در نواحی صنعتی و غیر صنعتی یعنی شهرها و روستاها بالا می‌گرفت. مسائل فوق که عملاً مبتنی بر نیاز مبرم به مواد خام مورد استفاده در صنایع مراکز شهری بود، توجه به منابع تولیدی را بیشتر نمود و لزوم شناخت استعدادهاي نواحی روستایی را تشدید ساخت» (بخشنده نصرت، ۱۳۶۶، ص ۴۲) و به ضرورت مطالعات روستایی و رابطه آن با شهر اهمیت می‌داد. «چنین ضرورتی موجب شد که مؤسسه جغرافیدانان بریتانیا گروه ویژه‌ای برای تحقیق درباره روابط شهر و روستا (۱۹۸۴-۱۹۸۵) تشکیل دهند، این گروه در مورد حرکت و جریان دو طرفه مردم، کالا، پول، تکنولوژی، اطلاعات و عقاید بین شهر و روستا مطالعه می‌کنند.» (شکویی، ۱۳۷۹، ص ۳۰۸). در سال ۱۹۸۵ نیز دیوید هاروی در تحقیق خود با عنوان (شهر نشینی سرمایه‌داری) می‌گوید در دنیای سرمایه

داری، بخش صنعت شهری، همواره در داخل یک سیستم تولید و مبادله کالا، با بخش روستایی رودرو بوده است، و بیشتر بر این روابط نابرابر تأکید می‌کند.» (هاروی، ۱۹۸۵، ص ۱۸۱).

شهرها و روستاهای ایران نیز طی قرن‌ها تحولاتی را پذیرا گشته‌اند که موجب تکامل آنها به شکل کنونی شده است. این سیر تکوینی برای شهرها به مراتب بیشتر از روستاها بوده است. گرچه ممکن است در پاره‌ای روستاها تغییرات نسبی در شیوه‌های تولید، نوع معیشت روستایی و روابط اجتماعی حاصل شده باشد، اما در مجموع، بافت اقتصادی و اجتماعی شهرها تحولات بیشتری به خود دیده است.

با رشد فزاینده آمد و شد و سائل نقلیه موتوری میان شهر و روستا، روابط شهر و روستا نیز در ایران از نظم و روال معینی برخوردار شده است. باغ‌های حومه شهری که کاربردهای خاص خود را داشته و یا برای تعطیلات تابستانی آخر هفته مورد استفاده قرار می‌گرفتند به مناطق مسکونی دائمی تبدیل شده و تغییر کاربری داده‌اند. این وضع نه تنها در مورد شهرهای بزرگ ایران از جمله: تهران، مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز، ارومیه و نظایر آن رخ داده است، بلکه دیگر شهرهای متوسط اندام ایران نیز چنین روندی را دنبال می‌کرده‌اند.

«به لحاظ تماس‌های اجتماعی نیز طی قرون وسطی و عصر جدید شهرهای شرقی، هم در بافت قدیم و هم

در بافت جدید خود وجوه مشترکی با شهرهای مغرب زمین داشته و دارند. اما در عین حال تفاوت‌های ساختاری و کالبدی بین آنها همچنان بر جای مانده است. این پدیده را ابتدا می‌توان از سیمای شهر شرقی و مغرب زمین باز یافت، دور شهر بارویی کشیده و در آن برج‌ها و دروازه‌های دفاعی ساخته می‌شد که امروزه دیگر وجود ندارند. حریم خانه‌ها نیز با دیواری بلند به پیروی از خصلت فرهنگی اجتماعی، از کوچه‌ها و معابر عمومی جدا می‌شود که قلعه یا ارگ شهر بر آنها مشرف بود. در شهرهای غربی این تفکیک توسط پرچین چوبی یا گیاهی صورت می‌گیرد (رهنمایی، ۱۳۶۷، ص ۸۵). کلیساها و صومعه‌ها که از علائم مشخصه شهرهای غربی به شمار می‌آیند همزادهای مساجد، حوزه‌های علمیه و امامزاده‌های شهرهای شرقی محسوب می‌شوند.

برخی تحولات دهه‌های اخیر شهری و روستایی در مشرق زمین و کشورهای توسعه نیافته را معلول عملکردهای مستقیم و غیرمستقیم نظام سرمایه‌داری و توسعه سوداگری زمین می‌دانند که نتیجه آن توسعه‌های ناموزونی است که در پیرامون شهرها شکل می‌گیرند.

شهرنشینی در ایران نیز که امروزه به عنوان نمود خاصی در جامعه مطرح است در طول عمر دراز خود دستخوش تحولات و دگرگونی‌های زیادی شده است. آنچه که بیش از هر چیز در دگرگونی ساخت و

سازهای فضایی شهرها، به ویژه شهرهای بزرگ دخالت داشته ساختار نظام حکومتی بوده است. «خاستگاه و پایگاه اجتماعی حکومت تا اوایل سده اخیر در ایران منشاء ایلی و عشایری داشته و سران ایلات با برخورداری از موقعیتها و فرصتهای مغتنمی که به آنها دست میداده با تشکیل سلسله‌ای پس از سرکوبی ایلات دیگر به حکومت می‌رسیدند» (رهنمایی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۱). حکومتها در ابتدا به حفظ نظم و گرفتن مالیات و پاره‌ای امور دیگر می‌پرداختند. «با پیچیده شدن نظام‌های اجتماعی و سیاسی کار حکومتها هم، وسعت گرفت و تعدادی از وظایف دولت در مفهومی که امروزه می‌شناسیم بر عهده حکومت افتاد به طوری که رفع حوائج شهری براساس اصول و ضوابط معین کاری و تدوین چارچوب حقوقی آن از وظایف حکومت به شمار می‌آمد. در دوره‌ای که تفکیکی میان حکومت و دولت نبود هرچه به عقب برگردیم به قدرت حکومت افزوده شده و از اختیارات کارگزاران اجرایی (دولت) کاسته می‌شود» (قهاری، ۱۳۶۴، ص ۱۲). این وضعیت تا انقلاب مشروطیت ادامه داشت و با سست شدن جامعه فئودالی کم کم دولت در کنار حکومت شکل گرفت. «روی کار آمدن نظام متمرکز پهلوی تغییرات عمده‌ای را در نظام‌های سیاسی قبلی به وجود آورد. این دگرگونی‌ها بر خلاف سنت دیرین نه بر اثر فشار نظامی بلکه به دنبال یک سلسله تاکتیک‌های سیاسی انجام گرفت و موجب

تضعیف نظام‌های ایلی و قبیله‌ای شد، در مقابل، عناصر شهرنشین (تجار و پیشه‌وران) به لحاظ قدرت مالی و منزلت اجتماعی جای آنان را گرفتند» (رهنمایی، ۱۳۶۹، ص ۲۵). تصادفی نیست که «در جامعه قاجاریه در انقلاب مشروطیت حتی خوانین ایلات شرکت فعال و مستقیم داشته زیرا منزلت اجتماعی آنان به خطر افتاده و برای حفظ موقعیت و منزلت اجتماعی و حیثیت خانوادگی سعی و تلاش می‌کردند تا به سویی قدرت بخرند. از خصوصیات بارز این پدیده توسعه شهرنشینی و ازدیاد جمعیت و پیدایش گروه‌ها و طبقات جدید اجتماعی در شهرها بود» (خسروی، ۱۳۵۸، ص ۲۳). جریان تجدد و فرنگی مآبی به خصوص پس از مشروطیت، اقتصاد سرمایه‌داری، انقلاب صنعتی و عناصر متعددی که به صورت زنجیروار به یکدیگر وابسته بودند نیز در تمام شئون اقتصادی و سیاسی، اجتماعی ایران رفته رفته اثرات خود را در روند شهرنشینی بر جای نهاد و به صورت ناموزون توسعه فضایی و رشد سریع شهرها را موجب گردید. شهرهای بزرگ و متوسط ایران هم صحنه درگیری‌ها و سازش‌های فرهنگی با غرب بودند و دگرگونی‌های فرهنگی در چشم‌انداز زیستی و فرهنگی آنها به خوبی مشهود است. از تغییراتی که در طول نیم قرن اخیر در شکل‌گیری و گسترش شهرهای ایران روی داده است این است که در جوار بافت سنتی شهرها، خیابانهای جدید احداث

شده اند و عرضه خدمات و کالاهای نوع غربی به تناوب در آنها دیده می‌شود.

«تصمیمات و کنش‌های دولت نیز تأثیر خود را به طرق مختلف بر سیمای شهر بر جای نهاد» (روشه، گی، ۱۳۶۶ ص ۱۶۰). به مرور که وظایف دولت‌ها بیشتر شده، کارهای جدیدی از جمله امور رفاهی شهرها را نیز به عهده گرفتند و شهرداری به صورت یک نهاد اداری و به عنوان یکی از سازمان‌های اجرایی نوپای دیگر به تشکیلات اداری افزوده شد. بدین ترتیب با افزایش جمعیت شهرها سازمان‌های اداری شکل گرفتند و هر یک در رابطه با وظایف خود در گسترش و شکل‌گیری شهرها ایفای نقش می‌نمودند، نقش دولت را به عنوان یکی از محورهای مهم در فرایند توسعه روستایی نباید نادیده گرفت. در کنار دولت تشکیل شوراهای نیز در نواحی روستایی اقدامی بسیار مؤثر در فرایند مردم‌سالاری و مشارکت مردمی است، چرا که کشورها در حال توسعه توانسته‌اند خلاء مدیریت را در روستاها برطرف کنند و در روند توسعه و عمران نواحی روستایی کشور نقش مؤثری داشته باشند (رضوانی، ۱۳۸۳، ص ۲۲).

مهاجرت روز افزون روستاییان به مراکز شهری نیز به ویژه پس از اصلاحات ارضی، آغاز مرحله جدیدی در امر شهرنشینی ایران است که با بیکاری روستاییان در مناطق روستایی کشور مرتبط بوده و در نتیجه، آنها را به سوی شهرها گسیل داشته

است. به طور کلی افزایش جمعیت که از نیم قرن پیش به این طرف موجب ایجاد شهرهای جدید و رونق و گسترش شهرهای قدیم ایران شده است ابعاد تازه‌ای را در زمینه جوابگویی به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مطرح می‌کند.

رشد جمعیت شهری کشور در ابتدا شتابان نبوده به طوری که «نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت از ۲۸ درصد در سال ۱۳۰۰ به ۳۰ درصد در سال ۱۳۳۰ تغییر یافت. از اواخر این دهه رشد شهرنشینی شتابان می‌شود به طوری که نرخ متوسط رشد از ۲/۶۵ درصد در دوره ۴۰-۱۳۰۰ به ۴/۴۲ درصد در دوره ۵۷-۱۳۴۰ بالغ می‌گردد. از آن سالها تاکنون بر شتاب شهرنشینی همچنان افزوده شده و نرخ رشد مناطق شهری به ۵/۴ درصد در سال رسیده است» (اطهاری، ۱۳۶۸، ص ۱۰۵). تعداد مراکز شهری ایران نیز از ۱۹۹ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۲۵۹ شهر در سال ۱۳۴۵، ۳۷۳ شهر در سال ۱۳۵۵، ۴۹۶ شهر در سال ۱۳۶۵» (نظری، ۱۳۶۸، ص ۱۸۵)، ۸۸۶ شهر در سال ۱۳۸۰ و سرانجام به مرز ۱۰۱۸ شهر در سال ۱۳۸۶ رسید (وزارت کشور، ۱۳۸۶، ص ۶). با نگاهی به فضای مراکز شهری ایران می‌توان گفت اغلب شهرهای ایران کوچک و کم جمعیت می‌باشند. در حالی که کلانشهرها و تعداد کمی از دیگر شهرهای کشور بیشترین تعداد جمعیت شهری را دارا می‌باشند. این امر موجب شده

است که این تعداد شهرها دچار عارضه پرجمعیتی شوند.

روند کنونی افزایش جمعیت و تحولاتی که در امر شهرنشینی ایران به وقوع پیوسته است، با توجه به تغییر نسبت جمعیت شهری و روستایی و پیش‌بینی روند آینده آن در جهت گرایش به زندگی شهری، بخش عظیمی از محیط‌های جدید زندگی به صورت شهری خواهند شد. بنابراین با توجه به روند گذشته و کنونی رشد جمعیت «سطوح شهری که طی سال‌های آینده ساخته خواهند شد از کل سطوح شهری موجود بیشتر خواهد بود» (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۷، ص ۳) و «همانند وضعیت کنونی شبکه‌ای از شهرهای ناحیه‌ای را بوجود خواهند آورد که در ارتباط با شبکه شهری و منطقه‌ای و کشوری نظام شهری را گسترش می‌دهند» (نظریان، ۱۳۷۴، ص ۱۴۶). افزایش تعداد شهرهای کشور نیز از ۱۹۹ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۱۰۱۸ شهر در سال ۱۳۸۶ (وزارت کشور، ۱۳۸۶، ص ۶) رسید که به موازات آن تعداد جمعیت شهرنشین را از ۳۱/۴ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۵۵ درصد در سال ۱۳۶۵ (رهنمایی، ۱۳۶۷، ص ۷۲)، ۵۷ درصد در سال ۱۳۷۰ (نورالهی، ۱۳۷۵، ص ۱۶۵)، ۶۱/۳ درصد در سال ۱۳۷۵ (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵، ص ۱۴) و ۶۸ درصد در سال ۱۳۸۵ رسانیده است، چنین روند روبه‌رشدی را نشان می‌دهد. از سوی دیگر به جهت اینکه بخش مهمی از نرخ رشد بالای جمعیت شهرها

ناشي از مهاجرت روستاييان مي‌باشد، حل بسياري از مشكلات شهري در گروه حل هم زمان مشكلات روستايي است. توسعه روستايي به دليل وجود روابط اقتصادي تنگاتنگ شهر و حومه، بخش اصلي و مكمل سياست توسعه شهري محسوب مي‌شود كه به بهبود زندگي اقتصادي، اجتماعي شهري و روستايي خواهد انجاميد (پاپلي يزددي و رجبلي سناجردي، ۱۳۸۲، ص ۳۴) و بطور كلي به توسعه موزون و يکپارچه كشور مي‌انجامد.

نتيجه‌گيري

با آگاهي از اين واقعيتها، بررسي علمي روابط شهر و روستا در ايران براي درك مسائل شهرنشيني و روستانشيني در كشور ضرورتي اجتنابناپذير است. شهرهاي موجود در كشور معلول اين مناسبات و روابط پيچيده حاكم بر آنها هستند و تا زماني كه عليت آن براساس روشهاي علمي روشن نشود رويارويي با آن حتي براي هدايت به روندی معقول، ممكن نخواهد بود. روشن است كه در آينده بخشي از جمعيت كشور بايستي در روستاها زندگي كنند، از اينرو براي برقراري تعادل ميان شهر و روستا و توسعه موزون هردو، تنها راه چاره ارتقاي سطح زندگي مردم روستا و توسعه روستايي است. اين امر ممكن نيست مگر اينكه بخش كشاورزي و خدمات

وابسته به آن نیز متناسب با کیفیت سطح زندگی در کل کشور از حالت رکود بیرون آمده و پا به پای فضای اقتصاد شهری به صورت مکمل یکدیگر توسعه یابند که در آن شکاف بین نواحی شهری و مناطق روستایی به حداقل ممکن کاهش یابد. توسعه روستایی بخش‌مهمی از فرایند توسعه ملی بویژه در کشورهای در حال توسعه را به خود اختصاص می‌دهد. اگر قرار است توسعه انجام گیرد و مستمر باشد باید به‌طور اعم از مناطق روستایی و به‌طور اخص از بخش کشاورزی آغاز شود (تودارو، ۱۳۶۷، ص ۲۵). بنابراین می‌توان گفت اصولاً توسعه روستایی مفهومی جدا از توسعه اقتصادی و اجتماعی در سطح کلان کشور نیست، بلکه جزئی از توسعه کلان ملی به حساب می‌آید «نظریه دنیس راندینلی استاد دانشگاه سیراکیوز امریکا نیز در تحلیل روابط شهر و روستا بر محور سیاست توسعه، حاکی از آن است که اهداف توسعه روستایی جدای از شهرها عملی نیست، زیرا بازارهای اصلی برای دریافت مازاد تولیدات کشاورزی در مراکز شهری قرار گرفته است. از طرفی بیشتر عوامل تولید از امکانات سازمان‌های شهری بهره‌مند می‌شوند و خدمات مورد نیاز جامعه روستایی مانند بهداشت، درمان، آموزش و غیره که در حوزه‌های روستایی توزیع می‌گردد از مراکز شهری به دست می‌آید» (راندینلی، ۱۹۸۴، ص ۲۸). بدین

منظور ضروري است روند توسعه متقابل را براي شهر و روستا به گونه اي فراهم کرد که توسعه يکي به بهاي رکود و افول آن ديگري تمام نشود، براي دسترسي به چنين اهدافي است که اهميت مطالعه روابط شهر و روستا و حوزه نفوذ شهري روز به روز بيشتري ميشود و بررسي آن جاي خود را در تحقيقات شهري روستايي و مطالعات منطقه اي باز ميبابد.

منابع و مآخذ

- (۱) اطهاری، کمال، (۱۳۶۸). راهبردهای توسعه شهرسازی و شهرهای جدید، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، شرکت عمران شهرهای جدید.
- (۲) انصافیپور، غلامرضا، (۱۳۵۵). تاریخ زندگی اقتصادی روستاییان و طبقات اجتماعی ایران از دوران ماقبل تاریخی تا پایان ساسانیان، تهران: نشر اندیشه.
- (۳) اهلرس، اکارت، ترجمه سعیدی، عباس (۱۳۸۰). ایران: شهر، روستا و عشایر، نشر منشی.
- (۴) بخشنده، نصرت، (۱۳۶۶). نظر اجمالی در زمینه مفاهیم و دیدگاههای جغرافیای روستایی، آموزش جغرافیا، شماره ۱۲، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش.
- (۵) برنامه‌ریزی شهری در پروژه آماده سازی زمین، (۱۳۶۷). معاونت امور مسکن، وزارت مسکن و شهرسازی.
- (۶) پاپلی یزدی، محمدحسین و ابراهیمی، محمدامیر، (۱۳۸۶). نظریه‌های توسعه روستایی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

- (۷) پاپلی یزدی، محمدحسین و رجبی سناجردی حسین، (۱۳۸۲). نظریه‌های شهر و پیرامون، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- (۸) تودارو، مایکل، ترجمه سرمدی، مصطفی و رئیسی، پروین، (۱۳۶۷). مهاجرت‌های داخلی در کشورهای در حال توسعه، انتشارات مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- (۹) جمعه‌پور، محمود، (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی: دیدگاه‌ها و روش‌ها، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- (۱۰) جمعیت تقسیمات کشوری، (۱۳۸۶). نشریه گروه آمار و اطلاعات دفتر تقسیمات کشوری، معاونت سیاسی وزارت کشور.
- (۱۱) خسروی، خسرو، (۱۳۸۵). جامعه شناسی روستایی ایران، تهران: پیام.
- (۱۲) رئیس دانا، فریبرز، (۱۳۷۸). حوزه نفوذ، بحثی در برنامه‌ریزی شهری، مجله گسترش تولید و عمران ایران، تهران: شماره ۲۱ و ۲۲.

- ۱۳) رضواني، محمدرضا، (۱۳۸۳). مقدمه اي بر برنامه ريزي روستايي در ايران، سازمان مطالعه و تدوين كتب علوم انساني دانشگاهها (سمت).
- ۱۴) روشه، گي، ترجمه دكتر منصور وثوقي، (۱۳۶۶)، تغييرات اجتماعي، تهران: نشر ني.
- ۱۵) رهنمايي، محمد تقى، (۱۳۶۷). «روند مطالعات شهري و جاىگاه جغرافيايي شهري در ايران»، فصلنامه تحقيقات جغرافيايي، شماره ۱۱، مشهد: آستان قدس رضوي.
- ۱۶) رهنمايي، محمد تقى، (۱۳۶۹). «توسعه تهران و دگرگوني در ساختارهاي نواحي روستايي اطراف» فصلنامه تحقيقات جغرافيايي، شماره ۱۶، مشهد: آستان قدس رضوي.
- ۱۷) رهنمايي، محمدتقى، (۱۳۷۰). توان هاي محيطي ايران، تهران: مركز مطالعات و تحقيقات شهرسازي و معماري ايران.
- ۱۸) سالنامه آماري، (۱۳۷۶). سرشماري عمومي نفوس و مسكن سال ۱۳۷۵. مركز آمار ايران، سازمان برنامه و بودجه.
- ۱۹) سعیدی، عباس، (۱۳۸۶). مباني جغرافيايي روستايي، سازمان مطالعه و تدوين كتب علوم انساني دانشگاهها (سمت).

- ۲۰) سلطان زاده، حسین، (۱۳۶۵). مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، تهران: نشر آبی.
- ۲۱) سینجر، پل، (۱۳۸۵). شهرنشینی و طبقات اجتماعی، «اقتصاد سیاسی شهرنشینی».
- ۲۲) شاریه، ژان برنار، ترجمه سیروس سهامی، (۱۳۷۳). شهرها و روستاها، نشر نیکا.
- ۲۳) شکویی، حسین، (۱۳۷۹). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری (جلد اول) سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، (سمت).
- ۲۴) شهرنشینی و شهرگرایی ایران از دیدگاه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، (۱۳۶۵). سازمان برنامه و بودجه، دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای.
- ۲۵) قهاری، منوچهر، (۱۳۶۴). اداره امور شهر، تهران: ناشر منوچهر قهاری.
- ۲۶) کاستللو، وینسنت فرانسیس، (۱۳۶۸). شهرنشینی در خاورمیانه، ترجمه پرویز پیران، عبدالعلی رضایی، تهران: نشر نی.
- ۲۷) نظری، علی اصغر، (۱۳۶۸). جغرافیای جمعیت ایران، تهران: گیتا شناسی.
- ۲۸) نظریان، اصغر، (۱۳۷۴). جغرافیای شهری ایران، پیام نور.

(۲۹) نورالهي، طه، (۱۳۷۶). تطبيق توزيع انساني جمعيت کشور بر اساس محدوده فعلي (۱۳۷۵)، فصلنامه علمي- ترويجي جمعيت، سال ششم، شماره هاي ۱۹ و ۲۰، تهران: سازمان ثبت و احوال کشور.

(۳۰) وديعي، کاظم، (۱۳۵۲). مقدمه بر روستاشناسي ايران، تهران: دهخدا.

(۳۱) هاروي، ديويد، ترجمه بهروز منادي زاده، (۱۳۸۵). شهر و مازاد، مفهوم شهر، مطالعات شهري و منطقه اي گروه تحقيق و مطالعات شهري و منطقه اي، تهران: نشر ايران.

32) CF. Harvey D: (1985). The urbanization of capaital; Black well.

33) Momei, Mostafa (1976). Malayer und sein umland, entwicklugn, struktur und funktonen einer kleinstadt Iran. Mmarbuger Geographische Schriften.

34) Rondinelli. Dennis A.; (1984). Secondary cities in Developing contries: for diffusing Urbanization policies.

35) Wirth E., (1975). Die orientalische stadt.

36) Withfogel, K, (1957). orintal Despostism New Haven, yale University press.